

شرح فرازهایی از دعای عرفه
نویسنده : سید جواد حسینی

[شرح فرازهایی از دعای عرفه](#)

[چند نکته مقدماتی](#)

[ادب دعا](#)

[لزوم قدرشناسی و سیاسگزاری](#)

[ناتوانی ستایش خدا](#)

[درخواست بی نیازی از دیگران](#)

[امام حسین \(علیه السلام\) مظهر عزت خدا](#)

[کرامت و بزرگواری در عفو](#)

[منشأ ظهور هستی](#)

[سلوک شیفتگان ناب](#)

[فراز و نشیب در دعای عرفه](#)

[ادب ورود به حرم الهی](#)

[پی نوشت](#)

شرح فرازهایی از دعای عرفه

مطالب این نوشتار، برگرفته از اثری است تحت عنوان: «شرح گزیده ای از دعای عرفه» از عارف نامور، حضرت آیت الله جوادی آملی، که اکنون مراحل تحقیق را، جهت تکمیل و انتشار، طی می کند تا به فضل الهی از سوی مؤسسه تحقیقاتی اسراء منتشر شود و تشنگان معارف زلال اهل بیت عصمت و طهارت(علیهم السلام) را سیراب نماید .

بدیهی است احاطه استاد محترم به تفسیر قرآن کریم و مبانی حکمتی و عرفانی، این شرح را امتیاز خاصی بخشیده و درک مضامین بلند کلمات امام حسین(علیه السلام) را در پیشگاه با عظمت الهی، که بدون آشنایی با مبانی یاد شده امکان پذیر نیست، بر علاقمندان مقدور ساخته است

چند نکته مقدماتی

دعای عرفه سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین(علیه السلام) یکی از دعاهای مأثور است که از مضامین بلند و معارف عمیق برخوردار است. شرح تفصیلی همه فقره های آن، به چندین جلد کتاب نیازمند است .

قبل از شرح دعا، در این اثر، نکاتی به عنوان مقدمه مورد توجه قرار گرفته، از آن جمله :

دعا، عبادت و مراتب آن ها، طولانی بودن درجات، شیوه ای نو در تفسیر متون وحیانی، ائمه (علیهم السلام) مرجع تفسیر معارف، ویژگی ها و آثار موجودات زمانی و مکانی، تعلق مشهود به زمان و مکان، اهمیت عرفه در امت های گذشته، فضیلت عرفات، مأذون بودن انسان کامل برای دعا، گوناگونی معارف دعای عرفه و انتساب بخش پایانی دعای عرفه به امام حسین (علیه السلام).

در توضیح نکته اخیر آمده است :

«قسمت نخست دعای شریف عرفه را همه نقل کرده اند، اما بخش پایانی آن را برخی مانند علامه مجلسی (رحمهم الله) نقل نکرده است. از این رو، بعضی احتمال داده اند که از امام حسین (علیه السلام) نباشد. لیکن قرائن و شواهدی بر صدور آن از سالار شهیدان گواهی می دهد.

در بررسی اسناد روایات، آنچه اصل است و موضوعیت دارد، صدور آن از امام معصوم است؛ یعنی یک حدیث پژوه باید اطمینان یابد که محتوای مورد نظر وی، از معصوم (علیه السلام) صادر شده است. این اطمینان گاهی از راه وثاقت و اصالت و صداقت راوی به دست می آید، گاهی از راه بلندی محتوا و اتقان متن و گاهی نیز از راه شواهد و قرائن منفصل و متصل. از این رو، بررسی سندی احادیث از آن جهت مورد توجه قرار می گیرد که راهی برای حصول این اطمینان است و به اصطلاح موضوعیت ندارد، بلکه طریقت دارد.»

سپس در ادامه چند شاهد و قرینه ذکر شده و آمده است :

1- سید بن طاووس (قدس سره) که از بزرگان امامیه است، آن را در کتاب قیّم اقبال الأعمال نقل کرده و در نقل او هیچ خدشه ای نیست. گرچه بر اثر شهود نسیان برخی از نسخه نویسان در برخی نسخ دست نویس اقبال، ذیل دعای عرفه نیامده، لیکن استاد بزرگوار مرحوم علامه شعرانی نوشته اند :

در کتابخانه آستان قدس رضوی به نسخه ای قدیمی و معتبر از اقبال الأعمال برخوردیم که ذیل دعا در آن آمده است.

2- محتوای بلند این دعای نورانی نشانه صدور این متن از زبان معصوم (علیه السلام) است.

3- بخش آغازین دعای شریف عرفه محتوای عمومی دارد، مسألت کردن از خدا، در میان گذاشتن مشکلات با ذات اقدس الهی، حوائج علمی و عینی را از او خواستن و... این ها در سایر دعاها نیز هست، لیکن سلطان مباحث دعای عرفه و کوهان بلند معارف آن، قسمت های پایانی دعاست که شباهت محتوایی با سخنان دیگر امام حسین (علیه السلام) دارد.

در ذیل یکی دیگر از نکات یاد شده، استاد معظم در تبیین تفاوت اولیای الهی با دیگران، اظهار نموده اند :

«اولیای الهی زمانی لب به دعا می گشایند و دست نیاز به سوی بی نیاز دراز می کنند که به تجربه درونی دریابند. برخی مقامات جز با دعا به دست نمی آید؛ یعنی با توجه به آگاهی آنان از سرّ قدر و اسباب نزول مقدرات الهی، هنگامی که دانستند سبب دستیابی به آن مقام والا فقط دعاست، دست به دعا بلند می کنند، چنان که برای امام حسین (علیه السلام)، مقامی بود که جز با شهادت به آن نمی رسید و در حقیقت تنها سبب نیل به آن فیض و فوز عظیم، شهادت بود و چون رسیدن به آن مقامات بلند مطلوب خدای سبحان است، اسباب منحصر آن نیز مطلوب اوست. این همین اذن و امر الهی به شمار می رود.»

در يك نکته دیگر از مباحث مقدماتی، دعای شریف عرفه مانند هر سوره قرآن کریم که آیات فراوانی داشته و مطالب گوناگونی را در بر دارد، حاوی مطالب متنوع شمرده شده است.

ادب دعا

در نخستین فراز شرح دعای عرفه، ضمن اشاره به «استحباب ستودن خداوند به صفات جمال و جلال»، پیش از بیان حاجات خویش یادآور شده که امام (علیه السلام) نیز این ادب دعا را مراعات نموده و در این بخش از

دعا نکاتی را مطرح فرموده است: همه جهان هستی فعل خداست، حاکم مطلق نظام هستی، ذات اقدس الهی است، حکومت خدا گاهی به صورت قضا و گاهی به صورت عطا ظهور می کند، قدرت الهی نامحدود است و هیچ موجودی توان جلوگیری از قضا و عطا او را ندارد.

شارح محترم با استناد به آیات قرآن کریم، هر يك از نکات چهارگانه فوق در کلام امام را تفسیر نموده است.

در تبیین و تحلیل «مانع نداشتن عطا الهی» آمده است:

«مانع عطا خداوندی یا بیرون از ذات اقدس پروردگار است یا درون او؛ یعنی از ناحیه خود خداست، یا از سوی غیر او. مانع بیرونی با توجه به بیان صحیح قضای الهی فرض صحیحی ندارد؛ یعنی نمی توان تصور کرد در نظام هستی که سراسر آن قضا و قدر خداست، چیزی باشد که در برابر عطا او مانع تراشی کند. مانع درونی نیز ندارد؛ زیرا آن، چیزی جز جهل و عجز و بخل نیست. یعنی اگر مشکل دیگران را حل نکردن از آن جهت است که فرد راه حل مشکل را نمی داند یا توانایی آن را ندارد یا بخل می ورزد، هیچ يك از این سه، در باره خدا فرض ندارد؛ زیرا همگی جزو صفات سلبیه آن جمیل مطلق و کامل بی همتاست.»

لزوم قدرشناسی و سپاسگزاری

امام حسین(علیه السلام) در یکی از فرازهای دعای عرفه می فرماید:

«لَمْ نُخْرِجْ لِرَأْفَتِكَ بِي وَ لَطْفِكَ لِي [بِي] وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أَيْمَةِ الْكُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ لِكَأَنَّكَ أَخْرَجْتَنِي [رَأْفَةً مِنْكَ وَ نَحْنُ عَلَيَّ] لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي وَ فِيهِ أَنْشَأْتَنِي ...»

استاد این جمله را در حقیقت قدرشناسی از يك نظام الهی و اسلامی شمرده و با استناد به آیات قرآن کریم که از نبوت و رسالت و ولایت و امامت و هدایت و ایمان به عظمت یاد شده، آن ها را منت های الهی بر بندگان دانسته اند. آنگاه با اشاره به فرازی از دعای عرفه امام سجاد(علیه السلام) که وجود امام عادل و حاکمیت او را مایه احیای آثار دین دانسته «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ، ... وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ»، افزوده اند:

«آن حضرت نیز مانند امام حسین(علیه السلام) تولد خود را در دوران حاکمیت اسلام و رخت برپستن جاهلیت را نعمت مشکور می داند؛ زیرا حکومت اسلامی یکی از پاک ترین میوه های شجره طیبه دین الهی است که مایه حفظ دین و تباه نشدن حق می گردد و حاکم دینی مجری احکام اوست. بنابراین، به دنیا آمدن و همچنین زندگی کردن در سایه نظام اسلامی نعمتی است که شکر آن لازم است، چنان که زوال جاهلیت و ظلم که ظهور قهر الهی است، شکر گزاری می طلبد. { فِقْطَعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ }⁽¹⁾ امام حسین(علیه السلام) با اشاره به همین نعمت، شکر می کند که درحاکمیت کفر و رواج بت پرستی به دنیا نیامد؛ زیرا گر چه با نورانیت غیبی حق را می دید، اما توان زنده کردن حق و احیای جامعه بر محور حق را نداشت. حتی اگر زمانی به دنیا می آمد که عمرش در عصر معاویه به پایان می رسید، باز هم آن توفیق بزرگ نصیبش نمی شد. چون معاویه با مکر خویش از پیدایش حماسه جاوید عاشورا می توانست جلوگیری کند و حسین بن علی(علیهما السلام) را مانند برادرش مسموم سازد و زمام قدرت را به دست گیرد، اما خامی و ناپختگی خماری همانند یزید، زمینه ایثار و نثار را برای امام حسین(علیه السلام) فراهم ساخت تا احیاگر نظام اسلامی باشد. ناتوانی ستایش خدا

استاد در شرح این جمله امام حسین(علیه السلام): «لَوْ حَاوَلْتُ وَ اجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَ الْأَحْقَابِ لَوْ عَمَّرْتَهَا أَنْ أُوَدِّيَ شُكْرًا وَاحِدَةً مِنْ أَنْعُمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنْكَ الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِه شُكْرِكَ أَبَدًا جَدِيدًا وَ تِنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا»، با تبیین ناتوانی انسان از ستایش خدا و این که بهترین راه ستایش خدا اظهار ناتوانی است، چنان که توجه به عجز از معرفت، معرفت خداست اظهار داشته اند:

«امام حسین(علیه السلام) در این قسمت از دعا با حقیقت ایمان، با عهد و پیمان قلبی، با توحید خالص، با باطن نادیدنی خود و... شهادت می دهد که اگر عمر طولانی به او دهند و او در این مدت با کوشش فراوان شکر یکی از نعمت های خدا را بخواهد به جا آورد، هرگز نمی تواند؛ زیرا توفیق شکر هر يك از نعمت های خدا، نعمت جدید است که نیاز به شکر تازه دارد و این شکر جدید نیز نعمت تازه ای است.... و این سلسله تا بی نهایت و

در حقیقت این نعمت های نو از لوازم آن نعمت اصلی است. بنابراین، شکر يك نعمت با تمام لوازم آن توان فرساست.»

حکیم متاله، آیت الله جوادی آملی در تشریح فراز دیگری از سخنان امام مبنی بر این که «وجود شريك در فرمانروایی خدا موجب می شود در آفرینش به ناسازگاری با وی برخیزد» به تشریح بی همتایی خداوند پرداخته و به تفصیل آیه مبارکه { لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا } را تفسیر کرده و پرسش های پیرامون آن را پاسخ گفته اند.

درخواست بی نیازی از دیگران

استاد در شرح این جمله دعا «اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي» ضمن بیان غنی مطلق بودن خدا و فقیر مطلق بودن غیرخدا، با استناد به آیات قرآن، انسان ها را در برخورداری از مواهب طبیعت سه گروه شمرده:

1- فقیری که چیزی ندارد.

2- گداخویی که مال دارد ولی در اندرون خود گرفتار بخل است و به بیان دیگر مستغنی است؛ یعنی نیازمندی است که با دارایی هایش نیاز خود را می تواند برآورده سازد.

3- بی نیازی که اساساً به چیزی احتیاج ندارد.

در این میان تنها گروه سوم به اندازه غنای خود، آیت خدای سبحان هستند و مهم همین بی نیازی است نه استغنا؛ زیرا بی نیازی نه زحمتی به دنبال دارد و نه سبب گناه می شود. ولی رسیدن به چیزی و استغنا به وسیله آن غالباً با رنج همراه است و چه بسا مایه عصیان و طغیان می شود.

امام حسین (علیه السلام) مظهر عزت خدا

در شرح این جمله دعا «يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوحِ وَالرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بَعْرُهُ يَبْعَرُونَ وَيَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَدَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ» با تشریح عزت خدا، رسول خدا و مؤمنان، در جمع میان عزت خدا و عزت غیرخدا سه راه حل ارائه شده است:

1- خدای سبحان اولاً و اصالتاً عزیز است و دیگران ثانیاً و تبعاً از عزت برخوردارند.

بنابراین، احتمال عزت خدا اصلی و به خود او انتساب دارد، اما عزت رسول خدا و مؤمنان برگرفته از انتساب و ارتباط آنان با خداست.

2- خدای سبحان اولاً و بالذات عزیز است ولی دیگران ثانیاً و بالعرض از عزت برخوردارند.

در این دو قسم، اسناد عزت به غیرخدا، اسناد الی ما هو له است، لیکن به جهت تبعیت و عرضی.

3- خداوند حقیقتاً عزیز است و دیگران مجازاً عزیزند.

سپس در مقام قضاوت فرموده اند:

«مقتضای بینش توحیدی آن است که هر کمالی ویژه ذات اقدس الهی است، از این رر عزت نیز مختص اوست و دیگران اصلاً عزتی ندارند، پس اگر بخواهند از عزت یا سایر کمالات بهره مند شوند، در سایه خلافت الهی و آیت حق بودن، شدنی است.»

در این قسم اصطلاحاً، اسناد عزت به غیر خدا اسناد الی غیر ما هو له است.

سپس افزوده اند :

«جمله امام حسین(علیه السلام) به یکی از سه راه پیش گفته تفسیر می شود، هر که ولیّ خداست به یکی از راه های سه گانه، از عزّت برخوردار است و امام حسین(علیه السلام) از نوادر اولیای الهی و مظهر عزّت خداست و دیگران نیز بر اثر ارتباط با او و دیگر معصومان(علیهم السلام) - این ارتباط به صورت پیروی از خدا ظهور می کند - به عزّت می رسند. اما اگر سرکشی و گناه کنند، نه تنها عزّت اصلی و ذاتی و حقیقی ندارند، بلکه از عزّت تبعی و عرضی و مجازی نیز بی بهره اند. از این رو، در مقابل سرفرازی مجازی انبیا و اولیای الهی، جبابره و سلاطین ستم پیشه هیچ عزّتی، حتی عزّت مجازی ندارند. سربلندی ادعایی آن ها درونی و غلط و پنداری و برگرفته از گناه است. و بر اثر طغیان و عصیان، خودشان را عزیز می پندارند... از این رو، امام حسین(علیه السلام) عرضه می دارد: تنها اولیای خدا بر اثر پیوند با او عزیز می شوند، اما سلاطین و عزیزان خیالی که چنین ارتباطی با خداوند ندارند، یوغ ذلت بر گردن خویش نهاده اند.»

کرامت و بزرگواری در عفو

استاد محقق در شرح این فراز از دعا که امام خدای سبحان را توصیف می کند: «وَ أَكْرَمُ مَنْ عَفَا»، به تشریح کرامت و بزرگواری خداوند در عفو و بخشش انسان ها پرداخته اند. چون عفو و گذشت انسان ها مراتب مختلفی دارد؛ بعضی پس از مدتی اعتذار و التماس می بخشند، برخی در برابر دریافت دیه و جریمه می بخشند و... و کریم ترین بخشنده ها بدون هیچ توقعی می بخشند، اما ناخودآگاه نشانه های انتقام در گفتار یا کردارشان ظهور می کند و در مقابل انسان بخشوده شده، احساس خجلت زدگی می کند. و هر چه بخشش بیشتر و کریمانه تر باشد، حس شرمندگی انسان بیشتر می شود. هیچ کریمی انفعال درونی انسان را که عذاب دردناکی است، نمی تواند برطرف کند. خدای سبحان تنها بخشنده ای است که نه تنها زشتی ها را می پوشاند و زیبایی ها را آشکار می سازد، بلکه بر صفحه نفس و ذهن انسان سلطه دارد و گناه انسان را از یاد او می برد و با عفو خویش شرمساری درونی انسان را می تواند با فراموشاندن نابود سازد. لذا در بهشت هیچگونه خجلت زدگی نیست.

منشأ ظهور هستی

شارح محترم در تفسیر جملات عارفانه دعای عرفه «أ يَكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهَرَّ لَكَ...» به بحث «منشأ ظهور هستی» می پردازد و با نفی استقلال در آثار و صفات غیرخدا، ابتدا تفسیری عمومی از کلام امام ارائه می کند و در ادامه می افزاید :

«برداشت دقیق تر و لطیف تر آن است که نه تنها ظهور تو کمتر از ظهور دیگران نیست و تو برای آشکار شدن به دیگران نیازمند نیستی و نه تنها ظهور آنان برگرفته از توست و از خود چیزی ندارند، بلکه معنایش این است که هرگونه خودنمایی و ظهوری که دیگران دارند، از آن تو و مال توست و چیز دیگری نیست. در نتیجه این جلوه ها پیش از آن که دیگران را بنماید، تو را نشان می دهد. چگونه از ظهور دیگران تو را می توان روشن کرد؟ ...»

به بیان دیگر، سخن او این نیست که دیگران توان راهنمایی به سوی تو را ندارند، بلکه سخن او این است که تو از چنان جلوه ای برخورداری که به راهنمایی به سوی تو نیازی نیست؛ زیرا اگر بخواهیم وجود یا مفهوم واقعی چیزی را با علم حصولی یا شهودی برهانی کنیم، باید از ظاهر به باطن، از حاضر به غایب و از نزدیک به دور پی ببریم. درحالی که ظهور، حضور و نزدیکی خدای سبحان نه تنها کمتر از ظهور، حضور و نزدیکی دیگران نیست، بلکه برخورداری دیگران از این صفات به برکت افاضه ذات اقدس الهی است؛ چون او این خصال را به صورت نامحدود داراست و اگر چیزی از جهتی نامحدود است، جای خالی نمی گذارد تا دیگران آن را پر کنند. در نتیجه هر ظهور، حضور و قربی که در جهان هست، از آن خداست.

بنابراین، نمی توان تصور کرد که دیگران ظهوری داشته باشند که خدای سبحان از آن برخوردار نباشد.»

سلوك شيفتگان ناب

استاد در شرح فراز دیگری از دعا، که امام از خدای سبحان درخواست می کند: «إِلَهِي حَقَّقْ لِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الثَّرْبِ وَ اسْئَلْ بِي مَسْئَلَةَ أَهْلِ الْجَدْبِ»، سالکان کوی الهی را چهار گروه معرفی می کنند :

1- سالکان مطلق که همواره با استدلال علمی و سلوک عملی، آرام آرام طی طریق می کنند. این گروه تا آخر عمر در راهند .

2- شیفتگان ناب که از آغاز تا پایان با جذب الهی می نگرند و پیش می روند، نه با استدلال علمی و نه با سلوک عملی .

3- سالکان مجذوب که ابتدا با استدلال علمی و سلوک عملی پیش می روند، ولی در پایان راه لطف خدا آن ها را در بر می گیرد و بقیه راه را با جذب و کشش راه می پیمایند .

4- مجذوبان سالک که در آغاز جذب الهی حرکتشان می دهد ولی در میانه راه به حال عادی بر می گردند و باقیمانده راه را با استدلال علمی و سلوک عملی می پیمایند .

امام حسین(علیه السلام) در این جمله از خداوند می خواهد که سلوک شیفتگان ناب را نصیب او گرداند تا عشق برای او ملکه شود و در پرتو آن تمام کارهایش فقط با جذب الهی انجام گیرد. آنان بندگان مقرب الهی و فرشتگان و انسان های کاملند .

فراز و نشیب در دعای عرفه

در پایان این معرفی اجمالی، به دو مطلب مهم دیگر که در شرح این دعا تذکر داده شده، اشاره می شود .

نخست آن که، انسان کامل چون جلوه های مختلف دارد، گاهی در اوج از خدا چیزی می طلبد و گاهی در حضيض و فرودستی مطلبی را می خواهد، این فراز و نشیب در دعای عرفه نیز مشهود است. امام گاهی خواستار مقام احسان از خداست «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أُرَاكَ» و گاهی مسائل جزئی دنیایی می طلبد و می گوید: «وَ انصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَ أَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَ مَارْبِي وَ أَقِرْ بِذَلِكَ عَيْنِي .»

استاد در تشریح علت این فراز و فرود در دعا می گویند :

«سرّ این فراز و نشیب آن است که خواسته های مادی، امور دنیای محض نیست، بلکه در باطن آن ها مسائل معنوی و اخروی نیز نهفته است. زیرا ظلم به آن حضرت، شخصی نیست بلکه کسی که به دین مقدس اسلام و شخصیت حقوقی وی که همان امامت است، ستم روا می دارد، به آن حضرت جفا می کند .»

سپس با استناد به آیاتی که وعده حتمی و قطعی الهی را تبیین می کند، خواسته امام را وعده ضمنی برای یاری دین خدا می شمارند که برای رسیدن به آن مقام و تحقق بخشیدن به این وعده از خدا می خواهد که قلّه های کمال دنیا و آخرت یعنی شهامت و شجاعت و جهاد فی سبیل الله و شهادت را بهره او سازد «وَ اجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْأَخْرَةِ وَالْأُولَى

ادب ورود به حرم الهی

مطلب دوم آن که چون هر مهمانی آداب و شرایطی دارد که مهمان باید آنرا بیاموزد، و طهارت درونی و آمادگی روحی شرط اصلی ورود به میهمانی خداست. از این رو به هر زائر بیت الله دستور داده اند که برای انجام مناسک حج و میهمان شدن خدا، نخست از حرم بیرون آید و در صحرای عرفات با زمزمه دعاهای روح انگیز و مناجات های معرفت آمیز روح خود را صفا بخشد تا پاکیزه شود و لیاقت ورود به حرم را پیدا کند. آنگاه در صحرای مشعر از هر گونه علقه ای و علاقه ای بریده، به یاد خدا باشد ... { فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ }⁽²⁾ ... سپس در سرزمین منا، نماد ابلیس را با انگیزه رجم شیطان درون سنگ باران کند و پس از راندن وی، تمام امیال و خواسته های درونی را سر بربرد و سرانجام با تراشیدن موی سر، تمام جمال و زیبایی را زیر پای محبوب قربانی کند و آنگاه آهنگ خانه خدا و پرداختن به مناسک حج را پیدا کند .

دعای امام در سرزمین عرفه را نیز بر همین اساس باید ارزیابی کرد :

«همه تضرع و ناله های امام حسین(علیه السلام) در بیرون حرم برای آن است که شایستگی ورود به حرم و ضیافت الهی به چنگ آید.»

پی نوشت ها

1. انعام : ۴۵

2. بقره : ۱۹۸